

تشکیل کمیته پیگیری وضعیت روزنامه نگاران بازداشتی



هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران در جلسه خود مراحل ایجاد کمیته پیگیری روزنامه نگاران بازداشتی را نهایی کرد. کانال انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران اعلام کرد: آقایان ایاس حضرتی، مهدی رحمانیان، محمد مهاجری، کامبیز نوروزی و خانم بدرالسادات مفیدی دعوت انجمن را برای حضور در کمیته پیگیری روزنامه نگاران بازداشتی پذیرفتند. براساس این اعلام، در جلسات پیشین مقرر شده بود که از روزنامه نگاران و مدیران مسئول و افرادی که تعلقات آنان به تقویت این حرفه مهم، اثبات شده است دعوت شود تا کمیته‌ای را برای پیگیری مشکلات گوناگون روزنامه نگاران که در حوادث اخیر احضار، بازداشت و محکوم یا آزاد شده‌اند، تشکیل دهند. متأسفانه در هفته‌های اخیر فرآیند احضار و بازداشت‌ها به نحو روشنی بیشتر و در نتیجه ضرورت این پیگیری را افزون تر کرده است. انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران در ادامه از همکاران و خانواده‌هایی که علاقه‌مند به اظهار نکات یا اخبار لازم در مورد خود یا عزیزانشان هستند یا مادگی همراهی در این فرآیند را دارند خواست به اکانت تلگرامی @tpaoz پیام دهند تا دبیر خانه در اسرع وقت با آنان تماس حاصل کند

«مرد ابری» راهی هندوستان شد



به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم کوتاه «مرد ابری» به نویسندگی و کارگردانی شاهین جلالی در ادامه حضورهای جهانی خود، منتخب بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم فولکلور هندوستان شد. ششمین دوره جشنواره فیلم فولکلور هندوستان ۱۱ تا ۱۵ دی ۱۴۰۱ مصادف با اول تا ۵ ژانویه ۲۰۲۳ بر گزار می‌شود. این جشنواره هر ساله با موضوع فولکلور در آثار سینمایی، مرتبط با فرهنگ عامه، ریشه در هنر و سنت‌ها، شیوه‌های زندگی و میراث فرهنگی بر گزار می‌شود. «مرد ابری» تاکنون، جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم سپهر، دیپلم افتخار بهترین تدوین جشنواره فیلم سایه، تقدیر ویژه بهترین کارگردان جشنواره بین‌المللی فیلم امید را به خود اختصاص داده است. محمود نظرعلیان، اکبر صادقی، اردشیر زاهد، حمدالله سلیمی، رسول علی‌زاده و محمد فرجی بازیگران «مرد ابری» هستند.

نمایشگاه نقاشی و نقاشیخط در «آویژه»



نمایشگاه نقاشی و نقاشیخط زهرامانی با عنوان «آویژه»، عصر چهارشنبه ۱۶ آذر در نگارخانه فرهنگسرای بهمن افتتاح شد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای بهمن، این نمایشگاه شامل ۴۰ تابلو اثر نقاشی، نقاشیخط و سیاه‌مشق با موضوع آزاد است که تا پایان همین ماه در نگارخانه این فرهنگسرا برپا است. این نقاشی، کارگاه پایه و تخصصی نقاشی با آبرنگ را روزهای ۱۶ و ۱۳ آبان از ساعت ۱۳، ویژه علاقه‌مندان به این رشته هنری به صورت رایگان برگزار می‌کند. زهرامانی متولد ۱۳۶۷ فارغ‌التحصیل رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه علامه قزوینی است، وی هنرهای تجسمی را در رشته طراحی و نقاشی و آبرنگ از سال ۸۳، نزد استاد امیرانصاریان و احمد مقدسی آغاز کرد و در سال‌های اخیر به صورت انفرادی و گروهی نمایشگاه‌هایی برپا کرده است.

محمد حسن خدایی

درام ایرانی را می‌توان نوعی واکنش به درام غربی دانست. به لحاظ تاریخی و با توجه به سنت هنرهای ایرانی تلاش داشته‌اند با رویکردی ملی و محلی، مسائل انسان مدرن ایرانی مابعد انقلاب مشروطه را به میانجی فرم‌های نمایشی این مرز و بوم بازتاب دهند. کنشی قابل تقدیر که با توجه به بضاعت اندک مسأله در این زمینه، همچنان گرفتار بحران دستاورد است. به هر حال نباید یاد برد که چگونه نهاد اجتماعی تئاتر در این سرزمین بیش از آنکه تماشاگران را سرگرم کند در تلاش بوده آنان را آموزش دهد. شاید با کمی تساهل و تسامح، بتوان تئاتر در ایران معاصر را کنشی پداگوژیک دانست که سیاست را به سرگرمی ترجیح داده و این روزها و با ظهور طبقه متوسط شهری، در یک تغییر استراتژی، سرگرمی‌سازی را سیاست‌گایی خویش قرار داده است. هر چه باشد تئاتر این روزها را می‌توان در مواجهه با نظارت دولتی و زیباشناسی بورژوازی، یک کشتی دانست گرفتار طوفان سیاست و اقتصاد.

حال با توجه به این مقدمه به نمایش «نوکر شیطان» بپردازیم. فضای قهوه‌خانه‌ای نمایش یادآور آثار به یادماندی اسماعیل خلیج و مناسبات طبقات فرودست جامعه است که خلیج دوست‌دار دباغ‌تاب دهد. نمایش «نوکر شیطان» بیش از نمایشنامه‌های خلیج به خرده‌فرهنگ لمپن‌ها می‌پردازد و کمابیش مقهور زبان و ژست‌های بدنی و اجتماعی این قشر اجتماعی است. اما مشکل اصلی این اجرا در مقایسه با آثار خوب خلیج، فقر در نگاه جامعه‌شناختی و همچنین فقدان در رویکرد تاریخی به زندگی لمپن‌ها است. به هر حال لمپن‌ها از پایین‌ترین اقشار اجتماعی سربرآورده و اغلب زیست‌انگلی دارند. می‌توان آن‌ها را محصول مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و جذب‌نشدن در شیوه‌مادی تولید اجتماعی دانست. سرچشمه پدیدار شدن این خرده‌فرهنگ مربوط است به گذار از یک جامعه ماقبل سرمایه‌داری به جامعه سرمایه‌داری صنعتی. مسائلی چون فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمد و بحران در بازتولید اجتماعی، به‌طور اخص در رابطه با کارگران، یکی از اصلی‌ترین دلایل پیدایش و تکثیر جماعت لمپن‌ها در جوامع غربی است. جامعه ایران صدالبته چندان در این مسیر صنعتی شدن حرکت نکرده و طبقات کارگر و سرمایه‌دار، ضعیف و کم‌رقم بوده است. این‌ها

نگاهی به نمایش «نوکر شیطان» با توجه به ظرفیت درام ایرانی لمپن‌ها مشغول لاف‌زنی هستند



واقعیت‌هایی هستند در زمینه اقتصاد سیاسی و شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران که به خوبی توضیح می‌دهد لمپن‌ها در ایران مدرن چگونه بوجود آمده‌اند. اما در جهانی که رسول بانگین در مقام نمایشنامه‌نویس خلق کرده اشاره چندانی به این وضعیت تاریخی نمی‌شود و روایت مطول اجرا، نسبت معناداری با تاریخ و سیاست ایران معاصر برقرار نمی‌کند. اولویت اجرا بازنمایی چندانسان حاشیه‌ای جامعه است که در محیطی ایزوله چون قهوه‌خانه که دور هم جمع می‌شوند و مدام در باب زندگی و نقش زنان و در صورت امکان طرد یا تصاحب آنان حرف‌های می‌کنند. تورم‌زبانی در استفاده از ضرب‌المثل‌ها به فقدان کنش و در نتیجه ایستایی بدن‌ها منجر شده است. البته نویسنده سعی کرده با تلفیق فضای ناتواالیستی قهوه‌خانه با حضور سوررئالیستی و نمادین یک موجود جهنمی، از بار سنگین خرده‌فرهنگ جاهلی بکاهد و روایتی پسامدرن از جاهلان و لوطیان ارائه کند. اما نتیجه در نهایت چندان

راهگشا نیست و اجرا نه به سوی امر متضاد و پسامدرن که بیش و کم مشغول بازتولید فرهنگ مردسالارانه لمپن‌ها است. به لحاظ اجرایی بازی بازگران نشان از همان چیزی دارد که در این سال‌ها به کرات مشاهده شده است. یعنی شیوه بازی «نشانه‌ای» که کسی چون «اریکا فیشر-لیشته» توضیح می‌دهد و آن را در مقابل بازی دیگر سخنان این قضیه را می‌توان به این شکل توضیح داد که کم‌تجربه بودن اغلب بازیگران، جنس بازی‌ها را به سمت نشانه‌ای شدن سوق داده است. در بازی نشانه‌ای، تلاش می‌شود نقش اجتماعی یک شخصیت به جای تولید، تقلید شود. اما در بازی پدیدارشناسی این نقش، خلاقانه بر صحنه تولید می‌شود. در نمایش «نوکر شیطان» نقش لمپن‌ها بیش از آنکه ساخته شود به شکل اغراق شده تقلیدی می‌شود. نتیجه این رویکرد، بازتولید ژست‌های نمایشی لمپن‌ها همان کلیشه‌های تکرار شونده‌ای است

که در سینما و تئاتر این سال‌ها شاهد بودیم. بازنمایی کلیشه‌ای از اطوار لمپن‌ها، تقلیل دادن ظرفیت این قشر اجتماعی در بازتاب دادن حال و هوای یک دوره تاریخی است. اما در غیاب تاریخ‌مندی روایت که معلوم نیست افراد این نمایش در کدام دوره تاریخ معاصر ایران روزگار می‌گذرانند، نمایش بدل می‌شود به رفتار فردی چند انسان مطرود و حاشیه‌ای که بی‌وقفه لیچار بار هم می‌کنند و در باب خصلت‌های انسانی مشغول لاف‌زنی هستند.

از منظر سیاست‌جنسیتی، زنان این نمایش چندان عاملیتی از خود بروز نمی‌دهند. زبان و ژست‌های بدنی این زنان بیش از آنکه زبانه باشد به تدریج سمت و سوی مردانه یافته است. فاطمه زمانی در مقام یک کارگردان زن، می‌توانست با رویکردی رادیکال این جهان مردانه را ساخت‌شکنی کند اما آن چیزی که بر صحنه آمده باز تولید مناسبات مردانه‌ای است که از دل این خرده‌فرهنگ این لمپن‌ها بیرون می‌آید. بنابراین سیاست‌جنسیتی

به سمت خنثی شدن مطلق می‌رود. پیش‌تر در دانشگاه‌ها برخی فیلم‌ها برای دانشجویان اکران می‌شدند، عوامل این فیلم‌ها در دانشگاه حاضر می‌شدند، مناظره‌هایی بر گزار می‌شد ولی این اتفاق این روزها کمتر رخ می‌دهد. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر چه یکی از دلایل این اتفاق خنثی شدن سینما است یکی از اصلی‌ترین دلایل در سال‌های اخیر شیوع کرونا و تغییراتی است که در شکل آموزش و دانشگاه رخ داد. به‌طور کل باید بگویم دانشجویان کسی است که دست به انتخاب می‌زند، او انتخاب واحد می‌کند، اساتیدش را و زمان کلاس‌هایش را هم به سلیقه خود انتخاب می‌کند و به واسطه همین شرایطی که برایش ایجاد شده سعی دارد در هر زمینه‌ای دست به انتخاب بزند و سینمایی که در انتخاب دانشجویان نباشد احتمالاً سینمایی خنثی است.

آیا دورهای در سینمایی ما وجود دارد که به عنوان یک دوره در خشان در معطوف شدن توجه فیلم‌های سینمایی به دانشجویان عنوان کرد؟

چنین دوره‌ای که بگویم یک ارتباط دو سویه به شکلی که دانشجویان سوزه اصلی فیلم‌ها باشند و در عین حال جدی‌ترین مخاطب سینما باشند، در تاریخ سینمای ما وجود ندارد. اما چند فیلم و فیلمساز را می‌توان مثال زد که این دغدغه را داشته‌اند و نکته جالب توجه این است که معمولاً فیلمسازانی در ساخت این آثار موفق بوده‌اند که در جوانی این فیلم‌ها را ساخته‌اند چرا که به نسل جوان نزدیک بوده، دغدغه‌ها را می‌شناسند و نگاهشان منطقی‌تر است.

«دو زن» و «بیمه پنهان» به کارگردانی تهمینه میلانی یا «عصبانی نیستم» و زاهد میثیان و فیلم‌های پرویز شهبازیان از جمله آثار مهمی هستند که به دانشجویان در زمان خود پرداخته‌اند. دیگر فیلمسازان مثل مسعود کیمیایی با فیلم «اعتراض» یا داروش مهرجویی با فیلم «پری» هم به دانشجویان پرداخته‌اند اما دغدغه ادامه دادن این روند را نداشته‌اند و دیگر به آن نپرداختند.

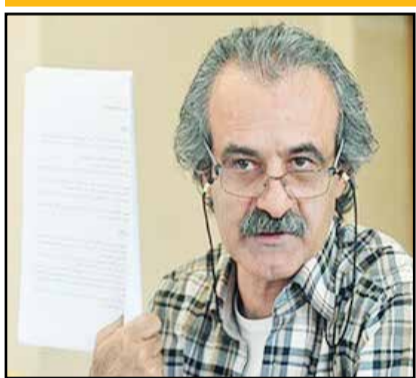
از نظر شما فیلمی که به قشر دانشجویان باز، ده، به چه مشخصه‌هایی باید توجه داشته باشد؟

همانطور که گفتیم دانشجویان تلخ‌گرا است و به واسطه این استقلال نسبی که کسب کرده در تلاش است تا در زمینه‌های دیگر هم دست به انتخاب بزند و همین ویژگی‌ها می‌تواند موجب شکل‌گیری قهوه‌خانه‌ها شود. دانشجویان علاوه بر این پرسشگر، منتقد و پویا است و سعی دارد در مباحث مداخله کند و در جامعه تاثیر گذار باشد. این ویژگی‌ها با هویت دانشجویان تلفیق شده‌اند و اگر قرار است با دقت به آن بپردازیم باید مورد توجه باشند اما متأسفانه به واسطه

در «نوکر شیطان»، نقش لمپن‌ها بیش از آنکه ساخته شود به شکلی اغراق شده تقلیدی می‌شود. نتیجه این رویکرد، باز تولید ژست‌های نمایشی لمپن‌ها همان کلیشه‌های تکرار شونده‌ای است که در سینما و تئاتر این سال‌ها شاهد بودیم. بازنمایی کلیشه‌ای از اطوار لمپن‌ها، تقلیل دادن ظرفیت این قشر اجتماعی در بازتاب دادن حال و هوای یک دوره تاریخی است

«نوکر شیطان» نه حرکتی رو به پیش که از قضا پس‌روی به فضای مردسالارانه است. اگر به جهان اسماعیل خلیج رجوع کنیم، فیگوری چون «گلدونه خانم» را می‌توان مثال زد که چگونه از دل یک جهان مردسالارانه بیرون می‌زند و عاملیت زنانه را با نمایش احساسات و دلبری، حتی از یک منظر فرودستانه به نمایش می‌گذارد. از یاد نبریم که مدت‌هاست جامعه ایرانی از این گفتار مردسالارانه عبور کرده و زنان ایرانی در پی احقاق حقوق خویش در حال ساختن تاریخ هستند.

یکی از ایده‌های نمایش «نوکر شیطان» مفهوم «شر» و در خدمت آن بودن است. اوج این قضیه را می‌توان در شخصیتی مشاهده کرد که از دل جهنم پایه قهوه‌خانه گذاشته و «تمک» برای نمکدان جهنم طلب می‌کند. این مرد جهنمی، جهان را ملغمه‌ای از بلشتی و ویرانی می‌داند که گویا همه در آن نوکر شیطان شده‌اند. پس رهایی ناممکن می‌نماید و هر چه هست بر مدار ظلم و دروغ می‌چرخد. بی‌جهت نیست که در انتها، شخصیت معنادار نمایش در هنگام درگیری با ضربه جاقو، گنده لات آن منطقه را می‌کشد. کنش نیهیلیستی این مرد معنادار مهم‌ترین چندان به راه‌هایی گشوده نیست چرا که حتی مرگ هم توان آن را ندارد که چرخه باز تولید این فرهنگ مردسالارانه را متوقف کند. این ایده می‌توانست عزیمت‌گانه مناسبی باشد برای یک اجرای تماشایی، اما شوربخانه شاهد شتاب‌زدگی در اجرا و آشفتنگی در روایت و شخصیت‌پردازی هستیم. نمایش «نوکر شیطان» که این شب‌ها در سالن استاد جعفر والی تالار محراب بر صحنه است به چیزی بیش از این‌ها احتیاج دارد. شاید شورش علیه لمپن‌ها، لمپن‌هایی که قبل از این با آن‌ها ورور نشده‌ایم.



سانسور در سینمای ما کم‌رنگ هستند. آیا سینمای امروز ما حاوی این ویژگی هست که دانشجویان مخاطب اصلی‌اش باشد و در واقع از تطایق بین آن‌ها دانشجویان وجود داشته باشد و حفظ شود؟ امروز نه فقط دانشجویان بلکه مردم ایران از سینما و تلویزیون جلوتر هستند و این واقعیت انکار‌ناشدنی است و نه تنها دانشجویان امروز که دانشجویان دیروز هم از این سینما جلوتر است و این فاصله نه‌اندک بلکه نجومی است. هیچ اتفاقی نمی‌تواند رخ دهد تا این همدلی و ارتباط ایجاد شود مگر اینکه سینماگران اجازه داشته باشند از داده واقعیت‌ها را مطرح کنند. زمانی که مردم خودشان را در سینما ببینند نباید انتظار داشته باشیم که اتفاق خاصی رخ دهد. این وضعیت فقط فاصله‌ها را بیشتر و رسانه و سینما را عقیم‌تر خواهد کرد. وقتی از سینما صحبت می‌کنم منظورم سینمایی است که مخاطب دارد و محصول صنعت است، سینمایی که امروز داریم با آنچه که مدنظر ما است تفاوت دارد و محصول نظام تثبیت است، نهادی که شاخه‌های خود را در همه جا ترویج داده و حالا می‌خواهد سینما هم داشته باشد؛ این سینما ما را به جایی نمی‌رساند. سینما باید محصول صنعت باشد و به واسطه گیشه و اکران زنده باشد و اینگونه می‌توان به آن امیدوار بود که حرفی بزند. شاید به صورت زیرزمینی فیلم‌هایی با تکرش فکری جدی ساخته شوند که آن هم با سینمای گیشه و اکرانی که مدنظر من هست، تفاوت دارد.

امروز در بحران هستیم، باید صبر کنیم و ببینیم که چه اتفاقی رخ می‌دهد، این دوران جلوی می‌رود و شاید روزی سینما به این روزها و دانشجویان امروز هم بپردازد؛ اما آن زمان باز هم عقب‌تر است چرا که این مسائل احتمالاً حل شده و مسائل تازه‌تری وجود دارد که سینما نمی‌تواند به آنها توجهی داشته باشد.